

متن پرسش

سلام معلم عزیز! من و امثال من حیات حقیقی دادی به اذن الله: تقریباً یک سال پیش سر جلسه شرح کتاب ادب و عقل ادامه انقلاب اسلامی برای اولین بار در مورد علم پدیدارشناسی شنیدم و اخیراً هم باز از شما شنیدم که فرمودید این یک روش است که گوینده، حول محور یک موضوع، بسیار سخن می‌گوید، تا درچه‌های موضوع گشوده شود بر مخاطب و همچنین بر خود گوینده (فکر کنم منظور شما همین بوده و بنده هم درست متوجه شدم). روش شما هم از ابتدا بر همین منوال بوده و هست. هرکسی هم بخواهد به عمق مبانی اسلامی از طریق آثار شما دست پیدا کند، نیازمند همین شیوه هست. امروزه با مخاطبینی روبه‌رو هستید که حوصله ندارند و حاضر به شنیدن جلسات طولانی و مبسوط نیستند. (گرچه جوانان با حوصله هم کم ندارید الحمدلله) آن‌هایی که مختصر حرف می‌زنند، مخاطبین بیشتری دارند، چون مردم از اینها بیشتر استقبال می‌کنند. قطعاً یکی از دلایل فضای مجازی می‌باشد که آدم‌ها را کم‌عمق و پراکنده و تنوع‌طلب و بی‌حوصله و عجول بار می‌آورد. از آنجایی که ویژگی حفظ زمان، همیشه سبب ایجاز در بیان می‌شود آیا این ایجاز، آهسته آهسته گوینده و مخاطب را به سمت سطحی کردن و سطحی شدن سوق نمی‌دهد؟ بنده افراد زیادی را دیده‌ام که علاقه مند به شما و آثار شما هستند، ولی حوصله گوش کردن به جلسات صوتی را ندارند به جهتی که عرض شد و در عین حال به نظرم راه دیگری ندارد و باید جلسات صوتی و همچنین کتب کار شود با حوصله، دقت و مداومت. بعضی از دوستان توجیه می‌آورند و می‌گویند ما کتابی هستیم؛ یعنی با صوت اصلاً نمی‌توانیم مأنوس شویم. و می‌گویند ای‌کاش مثلاً جلسات تفسیر، یا شرح صوتی آداب الصلاة و سایر شروح و جلسات صوتی استاد تبدیل به نوشتار می‌شد گرچه شاید تا حدی بی‌راه نمی‌گویند در مورد برخی از صوتها. البته بعضی‌ها هم برعکس، صوت را خیلی بیشتر و راحت‌تر گوش می‌کنند. گویا اصل را بر راحتی و بی‌حوصلگی گذاشته‌ایم. (چون خودم از این مسئله مستثنی نیستم متأسفانه) خواستم نظر فنی شما استاد فرزانه را جویا شوم. و منبعی جهت مطالعه بیشتر در مورد مسئله پدیدارشناسی می‌خواستم. خدایا هم ممنونتم هم شرمندم که هرگز مرا رها نکردی گرچه من بارها به عشقت پشت کردم و تشکر بابت اینکه در زندگی کوتاه دنیایی ام، معلم الهی‌ای را روزی‌ام گرداندی که در این ظلمات آخرالزمان، با نور او حرکت کنم، بی‌نهایت بی‌نهایت شکرماً یا ربی!

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: ۱. بنده نگران نسلی نیستم که مطالب را خیلی مختصر و به اصطلاح،

ساندویچی می‌خواهند. ما باید بتوانیم با طرح کلمات متعالی و اشارت‌گونه، دل‌های آن‌ها را نورانی کنیم مثل کاری که مرحوم شهید آوینی در «روایت فتح» و یا در کلمات و گفتارش داشت. ۲. آری! به نظرم باید بتوانیم بعضی از بحث‌ها را به صورت نوشتاری درآوریم، مثل کتاب «فرزدم؛ این‌چنین باید بود». ۳. کتاب «مرلوپنتی» ترجمه‌ی خانم مرضیه‌ی پیراوی در مورد «پدیدارشناسی» نکات خوبی دارد. موفق باشید